

تفسير احمد

سوره النبأ



۱۳۹۴

ترجمه و تفسير سوره النبأ
تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مهتم و ديزاين: الحاج سليم عابد « پيمان »

سوره النبا

سوره النبا

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 40 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾
 ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ
 أَزْوَاجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ
 مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ
 الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾ إِنَّ يَوْمَ
 الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ
 فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾
 لِلطَّاغِينَ مَنَابًا ﴿٢٢﴾ لَا يَبِثْنَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا
 حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ إِنَّ
 لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾
 لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿٣٥﴾ جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا
 يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ
 مَآبًا ﴿٣٩﴾ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي
 كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

مقدمه :

قرآن عظیم الشان کتاب الهی و بزرگترین اعجاز جاودانه، آخرین پیام آور الهی و عصاره چکیده ای همه کتب آسمانی است.

قرآن عظیم الشان کتابی است که غبار کهنگی و فنا هرگز نمی تواند بر صفحات نورانی آن بنشیند و گذشت زمان نه تنها آن را فرسوده نمی کند بلکه روز به روز علوم و معارف آن را هویدا تر می گرداند.

قرآن قانون مستحکم امت اسلامی است و به این خاطر دشمنان در طول تاریخ همیشه

سوره النبا

کوشیده اند با انواع دسیسه های شیطانی امت اسلامی را از تعالیم حیات بخش قرآن دور نگاه داشته و این کتاب انسان ساز را مهجور و منزوی نمایند. ولی علی رغم تلاش مستمر آنان ، قرآن کریم سر منشأ تمامی تحولات و حرکتهای قیامها بوده و درخشش آیات نورانی آن چشم خفاشان زمان را کور کرده است.

نور قرآن پرتو امید ماست «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» هیچ منبعی به اندازه قرآن نمی تواند نور ببخشد و قلب انسان را نورانی کند، و هیچ عملی به اندازه قرآن نمی تواند اخلاق انسان را بسازد.

قرآن عظیم الشان شیوه صحیح و سالم زندگی را به ما می آموزد و راه مستقیم حقیقی را به ما نشان می دهد. «اللَّهُمَّ تَوَرَّقُوا بِنَا بِالْقُرْآنِ» آمین یا رب العالمین .

خواننده محترم !

از مهم ترین مسائلی که در جزء سی ام قرآن مجید که اکثریت قریب به اتفاق سوره های آن مکی است روی آن تکیه شده مسأله (قیامت) و شرح احوال انسان در روز رستاخیز و قیامت به بیان گرفته شده است .

این به خاطر آن است که برای اصلاح انسان نخستین گام این است که بداند حساب و کتابی در کار است، محکمه و عدالت گاهی وجود دارد که چیزی بر داد رسان آن مخفی نمی ماند. محکمه ای که نه ظلم و جور در آن راه دارد و نه خطا و اشتباه.

نه توصیه ، واسطه ، و رشوه در آن کارساز است ، و نه امکان دروغ و انکار و بالاخره هیچ راهی برای فرار از چنگال مجازات در آنجا نیست ، یگانه راه نجات همانا ترک گناه در این دنیا است .

ایمان به وجود چنین محکمه و دادگاهی ، انسان را تکان می دهد، و ارواح خفته را بیدار می کند، روح تقوی و تعهد و احساس مسؤ ولیت را در انسان زنده می کند، و او را به وظیفه شناسی دعوت می نماید.

اصولاً در هر محیطی فساد رخنه کند عامل آن یکی از دو چیز است : ضعف نیروی مراقبت ، یا ضعف تشکیلات قضایی اگر مراقبین تیزبین اعمال انسانها را زیر نظر بگیرند، و محاکم دقیقاً به جرائم متخلفان برسند، و هیچ (جرمی) بدون (جریمه) نماند، در چنین محیطی مسلماً فساد و گناه و تجاوز و تعدی و طغیان به حداقل خواهد رسید.

جایی که زندگی مادی در پرتو مراقبین و دادگاه های آن چنین باشد تکلیف زندگی معنوی و الهی انسان روشن است .

ایمان به وجود مبدی که همه جا با او است «لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ»: (به اندازه سنگینی ذره ای چیزی از علم او مخفی نمی گردد) (سوره سبا - 3) و ایمان به وجود معادی که به مصداق «فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره و من يعمل مثقال ذرة شراً يره» (سوره زلزال - 7 و 8) (ذره ای کار خوب و بد به دست فراموشی سپرده نمی شود، و در آنجا در برابر او قرار می گیرد، چنین ایمانی ، چنان تقوایی در انسان ایجاد می کند که در تمام زندگی می تواند راهنمای او در مسیر خیر باشد.

سوره النبا

محور دومی که در جزء سی ام واقعاً قابل دقت و تامل است ، مسئله حمایت های الهی از پیامبرش است ، طوریکه این حمایت قاطع را میتوان در سوره ضحی ، در سوره انشراح ، در سوره کوثر ، در سوره علق و در بسیاری از سوره های دیگر درک نمایم . ما در این سوره می بینیم که خدای تبارک و تعالی حمایت و نصرت خودش را نسبت به رسولش اعلام می کند که هرگز پشت رسول خود را خالی نخواهد گذاشت .

مبحث دیگری که در جزء سی ام قابل ذکر است ، عرض اندام قدرت الهی در مقابل کفار ، مشرکان ، مکذبان که آنها هم راه به جایی نخواهند برد ، می دانیم که پیامبر در مکه به ظاهر در موضع ضعف بود اما در همین سوره های مکی خدای تبارک و تعالی انواع و اقسام اخطارها و انذارها و تهدیدها را متوجه کفار و مشرکین می کند ، که مثال ها و نمونه های این اخطارها و انذارها را در سوره همزه ملاحظه می کنیم که « وِیْلٌ لِّکُلِّ هَمْزَةٍ » یا در سوره «مطففین» می بینیم « وِیْلٌ لِّلْمُطَفِّفِیْنَ » یا در سوره « تبت یدا » می بینیم که « تبت یدا ابی لهب و تب » یا در سوره « علق » می بینیم که خدا تهدید می کند « کَلَّا لَئِن لَّمْ یَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِیَةِ نَاصِیَةٍ کَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ » بنابراین ، این سوره ها جزء مهمترین وسایل تقویت روحی و روانی برای پیامبر صلی الله علیه و سلم و مؤمنین بوده در آن فضای سخت مکه و قاعدتاً می تواند عامل آرامش و تقویت روحی و روانی برای مومنان باشد که در هر زمانی و مکانی به تلاوت این آیات و سوره ها مشغول می شوند . بنابراین سوره های جزء سی ام هم در نظر تقویت بنیه های اعتقادی در حوزه های توحید و معاد و هم از نظر بنیه های روحی و معنوی برای تقویت ارتباط انسان با خدای خودش سوره های بسیار مفید و موثری می باشد . امیدواریم که تفسیر و ترجمه سوره های که بشکل در سنامه های علمی و تحقیقاتی تحت عنوانی « تفسیر احمد : تفسیر شریف جزء سی ام » تهیه و ترتیب گردیده و در دسترس شما قرار دارد ، فرصت خوبی را فراهم کند ، تا این درسنامه های قرآنی مثمر ثمر برای شما عزیزان واقع گردد . خداوندأ همه ما را مشمول این دعا قرار دهد: « رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ » (آل عمران: 8).

معلومات مؤجز در باره سوره النبا :

سوره « النبا » از جمله آغاز جز 30 سی ام قرآن عظیم الشان است . این سوره از جمله سوره های مکی بوده ، و دارای (2) رکوع ، و (40) چهل آیت ، و (174) یکصد و هفتاد و چهار کلمه ، و (801) هشتصد و یک حرف ، و (363) سه صد و شصت و سه نقطه است .

نامگذاری این سوره به خاطر تعبیری است که در آیه دوم آن آمده است ، و گاه از آن به عنوان سوره « عم » به تناسب آیه نخستین آن تعبیر می شود .

اسباب نزول :

محمد بن جریر طبری مورخ و مفسر مشهور جهان اسلام و ابن ابی حاتم محدث معروف مسلمانان از حسن روایت کرده اند :
چون رسول الله صلی الله علیه و سلم به رسالت مبعوث شدند و به مردم مکه از یگانگی

سوره النبا

خداوند جلّ جلاله و از زنده شدن پس از مرگ خبر دادند و بر آنان قرآن تلاوت کردند، کفار شروع کردند به سؤال کردن از يكديگر و ميگفتند: براي محمد چه اتفاقي افتاده است؟ او چه چيزي به همراه آورده است؟ پس خداوند جلّ جلاله اين آيه را نازل فرمود. « **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ** » سپس سؤالشان را با اين فرموده خويش پاسخ داد:

وجه تسميه :

اين سوره، «عم» و «نبا» ناميده مي شود زيرا با اين فرموده خداي تبارك وتعالی: « **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ** » که مراد از آن خبر روز رستاخيز است، افتتاح شده است.

محتوا سوره :

- محتوای این سوره را می توان در چند نقطه ذیل خلاصه و جمع بندی نمود :
- 1- سؤالی که در آغاز سوره از حادثه بزرگ «نبا عظیم» یعنی روز قیامت مطرح شده است.
 - 2- سپس به بیان نمونه هایی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین و زندگی انسانها به عنوان دلیلی بر امکان قیامت وحشر می پردازد.
 - 3- در بخش دیگر قسمتی از نشانه های آغاز رستاخيز را بیان می دارد.
 - 4- در بخش دیگری گوشه ای از عذابهای دردناک طغیانگران را بیان می کند .
 - 5- به دنبال آن قسمتی از نعمتها ومواهب جنت را شرح می دهد.
 - 6- سرانجام با انداز شدیدی از عذاب قریب و سپس ذکر سرنوشت غم انگیز کافران سوره پایان می گیرد.

ترجمه و تفسیر موجز :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام الله بخشنده مهربان

- « **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ** » (1) کافران «درباره چه از يكديگر می پرسند» ؟
- « **عَمَّ** » از دو حرف « **عَن** » و « **مَا** » مرکب گردیده است ، (**ما**) برای استفهام می آید ، در اين ترکیب الف از « **ما** » ساقط گردیده است ، معنایش اين است که آنها در چه چیز با همدیگر سؤال وجواب دارند ، سپس خود جواب می دهد که :
- « **عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ** » (2) «از آن خبر بزرگ سؤال می کنند»
- « **نبا عظیم** » به چند معنی توسط مفسرین ، تفسیر گردیده است : قیامت، قرآن، تمام اصول عقاید دینی اعم از مبدا و معاد، ولی قرائن موجود در مجموعه آیات این سوره نشان می دهد که تفسیر آن به « قیامت » از همه برتری دارد. این بدین معنا است که اهل مکه در خصوص خبر عظیم الشان قیامت ، بحث وسؤال وجواب دارند ، ونسبت به آن ، با هم اختلاف می نمایند .
- « **الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ** » (3) «آنکه خود در آن مختلف اند »
- حضرت ابن عباس (رض) در حدیثی می فرماید : هنگامی که نزول قرآن عظیم الشان آغاز گردید، کفار مکه در محافل ومجالس خويش نشسته ، نسبت به آن قیاس آرای می

سوره النبا

کردند ، در قرآن ، قیامت ، با اهمیت فوق العاده ای ذکر شده است ، وگویا آمدن قیامت نزد اهل مکه از محالات بوده ، بنابر این ، در باره ای آن مباحثی داغی در جریان بود ، عده ای آنرا تصدیق می کرد ، و وعده ای از آنان به تکذیب آن استدلال می نمودند ، لذا در ابتدای این سوره ، این وضع آنها را ذکر نمود ، و سپس وقوع آن را بیان کرد ، و نسبت به اشکال و استبعادی که در باره ی وقوع آن داشتند ، جواب داد.

بعضی از حضرات مفسرین می نویسند که : جروبحث ها و این سؤال و جواب ها برای تحقیق واقعیت یابی بعمل نمی آمد ، بلکه فقط بخاطر استهزا و مسخره صورت می گرفت . قرآن عظیم الشان در جواب به آن جمله ای را جهت تاکید دوباره تکرار نمود ، که : **« كَلَّا سَيَعْلَمُونَ » (4)** «نه چنان است» که مشرکان می پندارند «بهزودی خواهند دانست» حقیقت امر را.

« ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ » (5) «باز هم نه چنان است، بهزودی خواهند دانست» یعنی: هرگز سزاوار نیست که درباره قرآن، یا قیامت اختلاف کنند زیرا قرآن و باورهای این دین حق است لذا کسانی که بدان کفر می ورزند، بهزودی فرجام تکذیب ایشان را خواهند دانست.

آنگاه خداوند متعال به ذکر برخی از مظاهر قدرت عظیم خود بر آفرینش اشیای عجیب و پدیده های شگرف که خود دلیل قدرت وی بر امر قیامت ، و غیر آن است، پرداخته و نه پدیده از آنها را اینگونه برمی شمارد:

« أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا » (6) (آیا نساختم زمین را گهواره ای؟) مهاد: زیرانداز و فرش است، همچون گهواره که برای کودک گسترده می شود تا بر آن خوابانده شود.

« وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا » (7) (و کوهها را میخ هایی؟) یعنی: کوهها را مانند میخهایی برای زمین گردانیدیم تا آرام گیرد و نجنبند، همچنانکه خیمه با میخ محکم ساخته می شود.

« وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا » (8) («و شما را جفتها آفریدیم» یعنی: جفتهای جوره جوره ای) زن موجودی ظریف، با احساس و عاطفه قوی است که خداوند متعال او را آفرید تا بخشی از بار رسالت تعلیم و تربیت جامعه را بر دوش گیرد و در مسیر کمال گام بردارد. خداوند زن را که مظهر جمال الهی است، آفرید و او را مایه آرامش و سکون همسر قرار داد، تا خانه و خانواده را در سایه عطف و رحمت خود بیاراید. چرا که رحمت و مودت، مایه بقای زندگی است.

« وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا » (9) (و خواب شما را مایه آرامش» و آسایش ابدانتان «گردانیدیم» یکی از امور طبیعی مسئله خواب است. خواب در زندگی بشر از چنان اهمیتی برخوردار است که به طور طبیعی انسانی که از خواب به هر علتی محروم شود ممکن است بمیرد.

به هر حال انسان به طور طبیعی نیازمند خواب است و بی خوابی عامل مهم در ایستادی قلب و مرگ شخص می شود. برخی بر این منطبق می گویند که انسان از گرسنگی و تشنگی نمی میرد ولی از بی خوابی می میرد. بنابراین یکی از نعمت های خداوندی به بشر

سوره النبا

مسئله خواب است.

خواب خوب آن است که در محیطی آرام انجام شود و خوابگاه از کمترین نور برخوردار باشد. از این رو قرآن یکی از آیات بزرگ خداوندی را مسئله گردش روز و شب می‌داند که فرصتی برای استراحت و آرامش کامل انسان در شب فراهم می‌آورد و زمینه را برای تلاش و کار در روز ایجاد می‌کند.

«وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا» (10) (و شب را ساختیم پوششی) قرآن حقیقت خوابیدن را به معنای خروج روح از بدن برمی‌شمارد و می‌فرماید: و هو الذي يتوفيكم بالليل؛ خداوند ذاتی است که شما را در شب می‌میراند. (سوره انعام آیه 60) و یا می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا... وَيُرْسِلُ الْآخِرِيَّ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى؛ خداوند ذاتی است که جان‌ها و نفس‌ها را در هنگام مرگ توفی می‌کند و می‌گیرد اگر در خواب نمرده باشد... و آن دیگری را که نمرده را می‌فرستد تا زمان مرگ معین و مشخص وی فرارسد. (سوره زمر آیه 42)

در این آیات به خصوص آیه اخیر به حقیقت مرگ اشاره شده است. در تحلیل قرآنی، مرگ و خواب امری یگانه هستند و هیچ تفاوتی بین یکدیگر ندارند. به این معنا که حقیقت مرگ و خواب این است که جان انسان به طور کامل گرفته می‌شود و جان از کالبد بشری بیرون می‌رود. از این رو در هنگام خواب ارتباط میان بدن و روح از هم گسسته می‌شود و خداوند جان‌ها را از تن‌ها بیرون می‌کشد و به جایی دیگر می‌برد که بیرون از کالبد و تن انسان و جایی است که از آن به نزد خود یاد می‌کند. تنها تفاوت میان مرگ و خواب این است که در هنگام مرگ این ارتباط به طور کلی حذف می‌شود و هرگونه رابطه و پیوندی میان بدن و روح از بین می‌رود. تن و جان انسان در این هنگام دیگر با هم پیوندی ندارند و روح که از کالبد جدا شده اجازه بازگشت به تن را نخواهد یافت و در همان جایی که رفته نگه داشته می‌شود. اما خواب به گونه‌ای است که این پیوند دوباره به طور کامل برقرار می‌شود و جان به سوی بدن فرستاده می‌شود تا فعالیت‌های حیات را رهبری کند.

قرآن هر خوابی را مرگی می‌داند که وفات و گرفتن کامل در آن انجام می‌شود با این تفاوت که در هنگام مرگ روح نگه داشته می‌شود ولی در خواب روح تا مدتی که اجل مسمای فرد است بازگردانده می‌شود تا تن را مدیریت کند. بنابراین حقیقت خواب را همانند مرگ می‌توان خروج روح از تن دانست. هر خوابی مرگی است که ادامه نمی‌یابد و شخص با بازگشت روح به تن دوباره بیدار می‌شود. از این رو بیداری به معنای بازگشت روح به تن خواهد بود. کسی که در خواب است هیچ گونه مهار و تسلط بر تن خویش ندارد و ارتباط میان روح و تن به گونه‌ای نیست که در هنگام بیداری است. این بدان معنا خواهد بود که ارتباط میان روح و بدن ارتباطی از بیرون است و نه از درون. این گونه که شخص از بیرون چیزی و کالبدی را رهبری می‌کند.

«وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (11) (وساختیم روز را معاشی؟) روز یکی از مهمترین

سوره النبا

موضعات در قرآن عظیم الشان است که پروردگار با عظمت ما به «روز» در دو سوره قسم یاد نموده است :

1- در (آیه 4 سوره شمس) «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ» (قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد).

2- در (آیه 2 سوره لیل) «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ» قسم به روز هنگامی که جهان را به ظهور خود روشن سازد).

مفسرین می نویسند که هدف از قسم پروردگار به نور و روشنایی، متوجه ساختن انسان است به فواید بسیار بزرگ آنها، تا آنکه خدای را شکر نموده و وی را سپاس گوئیم .
قسم به روز نشان می دهد که در آن، بزرگترین نعمت های الهی قرار دارد چون اگر روزگار همیشه تاریک بود برای آفریده های خداوند امکان نداشت که به طلب معاش خود مشغول شوند و اگر همیشه روز می بود از استراحت و سکونت و آرامش بهره ای نمی بردند . لذا در دو سوره (شمس و لیل) موضعات شب و روز تکرار شده است و این برای بزرگ شمردن ارزش آن دو در باب دلالت بر موارد حکمت آنها است .

«قسم پروردگار» یکی از موضعات مهمی است که جانب پروردگار در قرآن عظیم الشان صورت گرفته که در سوره (شمس ، لیل و غیره) در مورد به تفصیل بحث صورت گرفته است ، در اینجا مختصراً میخوایم بعرض برسانم که :

سور های که در قرآن عظیم الشان که با قسم شروع می شوند ، این خودش عالمی دارد، اینکه چرا خداوند باید قسم بخورد و چرا باید به طبیعت قسم بخورد؟ ما به خدا قسم میخوریم میگوییم قسم به خدا قسم به قرآن قسم به پیغمبر یعنی ما به چیزهایی که خدایی هستند قسم میخوریم خدا چرا باید قسم بخورد؟ خدا که ضرورتی به قسم ندارد.

مفسرین در علت آن می نویسند : که موضوع قسم بیشتر در سوره هایی که مکی هستند صورت گرفته و این سوره ها فضایی نازل شدند که افراد مقابل و مخاطب قرآن، می خواهند قرآن را انکار بکنند و بگویند این کلام الهی نیست و از قرآن انکار کنند ، می گویند که : پیغمبر پیغمبر نیست و خداوند با بشر ارتباط برقرار نکرده است. انسان زمانی قسم میخورد؟ وقتی با منکر رو به رو است و گرنه ما احتیاجی به قسم خوردن نداریم همین طوری داریم گپ خود را میزنیم کی قسم میخوریم؟ من وقتی قسم میخورم که می بینم طرف مقابل حرف ما را را باور نمیکند یا منکرقول حرف ما است یا این که اصلاً اهمیتی برای حرف ما قائل نیست.

پس خداوند در قرآن کریم که نازل شده و پایین آمده در حد عقول و اندیشه ها و افکار ما قرار گرفته است یعنی کلام عظیم الهی آمده خودش را نازل کرده و پایین آورده به اندازه ی سطح درک و فهم مخاطبین قرار داده است چون میخواید با مخاطبانش رابطه برقرار کند و آنها را تحت تاثیر قرار دهد و انکار آنها و استبعاد آنها را (یعنی بعید شمردن آنها) که بعید می شمارند خدا با یک بشر ارتباط برقرار کند این استبعاد را خداوند میخواید بر هم بزند قسم میخورد. یگانه دلیل قسم های الهی در قرآن همین است .

«وَبَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا» (12) (و بر فرازتان هفت آسمان استوار) که در خلقت و

سوره النبا

آفرینش خود محکم و نیرومند است .

«وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا» (13) (وساختم چراغ گرم وتابانی) که هدف از آن آفتاب است.

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا» (14) (و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم)

معصرات: ابرهایی است که به آب در هم فشرده می‌شود اما هنوز نباریده است. ثجاج: فروریزنده به کثرت است.

ابر در قرآن :

قرآن عظیم الشان کلمات مختلفی را برای ابر بکار برده است که از آنجمله میتوان :

1- **سحاب :** از «سحب» به معنای کشیدن است. به ابر، سحاب گفته‌اند؛ زیرا در آسمان با باد، کشیده می‌شود یا به این جهت که آب را همراه خود می‌کشاند. سحاب، اسم برای مطلق ابر، اعم از ابرهای باران‌زا و بی‌باران است. (مفردات، ص 399، «سَحَب»)
این کلمه 9 بار در قرآن عظیم الشان ذکر شده است : (سوره بقره آیه 164، آیه 57 اعراف ؛ آیه 12 رعد ؛ آیه 40 نور؛ 88 آیه نمل ؛ آیه 48 روم ؛ آیه 9 فاطر ؛ آیه 44 طور .)

2- **غمام :** از «غمم» به معنای پوشاندن چیزی است. وجه نام‌گذاری ابر به غمام این است که نور آفتاب ، یا صفحه آسمان را می‌پوشاند (مفردات ص 613، «غَمَمٌ» .)
این کلمه : . چهار بار در قرآن عظیم الشان آمده است آیات 57 و 210 سوره بقره، آیه 160 اعراف ؛ آیه 25 فرقان).

3- **عارض :** از «عرض»، به معنای آشکار کردن است و از آن جهت به ابر، عارض گفته‌اند که در معرض دید انسان قرار دارد این کلمه دوبار در آیه 24 احقاف/46 آمده است.

4- **ظله :** از «ظَلَّ» به معنای سایه، و ابر سایه‌افکن آمده (مفردات ، صفحه 536، «ظَلَّ») .
و در قرآن عظیم الشان ، بیش‌تر درباره ابرهای عذاب آور به کار رفته است. این کلمه دوبار به صورت مفرد در آیات 171 اعراف و آیه 189 شعراء و یکبار به صورت جمع در آیه 210 بقره آمده است.

5- **حاملات :** از «حمل» است و ابر را حاملات گویند؛ چون آب را با خود حمل می‌کند (مفردات ، ص 257، «حمل») این کلمه یکبار در آیه 2 سوره ذاریات/51 ذکر شده است.

6- **معصرات :** از «عصر» به معنای فشردن (التحقیق، ج 8، ص 146، «عصر» .)
و هدف از آن ، ابرهای باران‌زا است. وجه نام‌گذاری ابرها به معصرات آن است که باد، هنگام نزول باران*، آن‌ها را می‌فشرده.
به عقیده برخی، مُعَصِرٌ از اِعْصَارٌ به معنای طوفان است و به ابرهایی گفته می‌شود که به همراه طوفان آورده شده (مفردات ، صفحه 569، «عصر») و دارای رگباری تند و قطرات بزرگ آبد، و مؤید آن، صفت «ثَجَّاجًا» (فراوان و پی در پی) است که قرآن برای

سوره النبا

باران‌هایی که از این نوع ابرها فرو می‌ریزد، آورده است این کلمه يك بار در آیه 14 سوره نبا آمده است.

- 7- **مزن**: از «مزن» به معنای درخشندگی و بر ابر نورانی (مفردات، ص 766، «مزن» (و آبدار اطلاق شده است) القاموس المحيط، جلد 2، صفحه 1621، «مزن».) این کلمه صرف يك بار در آیه 69 سوره واقعه ذکر شده است.
- 8- از «صوب» به معنای فرو ریختن است که افزون بر ابر، بر باران نیز اطلاق شده است (مقاییس، جلد 3، صفحه 317، «صوب».) برخی آن را ابر باران‌زا دانسته‌اند. این کلمه يك بار در آیه 19 سوره بقره/2 به کار رفته است.
- 9- **سما**: از «سمو» به معنای رفعت و بلندی است و بر هر چیزی، از جمله ابر که بر انسان سایه افکند، اطلاق می‌شود. (الصاحح، جلد 6، صفحه 2382، «سمو».) برخی اطلاق آن را بر ابر، مجازی و برخی دیگر، حقیقی دانسته‌اند (مقاییس، ج 3، ص 98، «سمو» به گفته برخی، مقصود از «سما» در جمله: «وانزل من السماء ماء» سوره بقره آیه 22 که در قرآن عظیم الشان چند بار بکار رفته است.
- «لُنْخِرَجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا» (15) (تا به سبب آن دانه و گیاه را برویانیم» یعنی: تا به سبب آن آب ریزان از ابرها، دانه‌هایی را از زمین بیرون آوریم که قوت و غذای شماس است؛ مانند گندم، جو و غیره. نبات: عبارت از علوفه چهارپایان و سایر گیاهان خوردنی است.
- «وَجَنَاتٍ أَلْفَافًا» (16) «و» نیز تا برویانیم به سبب آن آب ریزان «باغهای درهم پیچیده و انبوه را»

«إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا» (17) (بی گمان که روز فصل میقاتگاه است) یعنی روزی داوری که هدف از آن روز قیامت است حدی موقت و معین است، که دنیا هنگام دمیدن در صور، به پایان می‌رسد، و آيات دیگری چنین معلوم می‌شود که نفخ صور دوبار انجام می‌گیرد، با نفخه‌ی اولی کل عالم فنا می‌گردد، و با نفخه‌ی دوم باز زنده و بر پا می‌شوند، و هنگام نفخه‌ی دوم تمام مردم گذشته و آینده‌ی کل جهان، در حضور پروردگار خویش دسته دسته حاضر می‌شوند.

«يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» (18) (روزی که در صور دمیده شود پس بیائید گروه در گروهی)

صور: بوقی است که اسرافیل علیه السلام در آن می‌دمد و از آن صدای مهیبی بیرون می‌آید «پس فوج فوج بیایید» یعنی: شما گروه گروه و توده توده، هر امتی همراه با پیامبرش از قبرهایتان به سوی موقف محشر و عرصه‌گاه حساب می‌آید.

در حدیثی که از حضرت ابو ذر غفاری روایت گردیده آمده است: در روز قیامت مردم به سه گروه تقسیم می‌شوند، گروهی با شکمی سیر ملبس به لباس، در حالیکه بر سواریه‌های خود سوارند، در میدان حشر می‌آیند، گروه دوم مردمانی پیاده هستند که به میدان حشر می‌آیند، گروه سوم کسانی هستند که در حالی که بر روی صورت کشانده می‌شوند، وارد میدان حشر می‌شوند. (مظهری به روایت نسائی، حاکم و بیهقی)

در برخی از روایات افواج به ده گروه، تشریح شده است، و برخی گفته‌اند که حاضرین

سوره النبا

میدان حشر با توجه به اعمال و کردار خویش ، به گرو های بی شماری تقسیم می گردند ، در این اقوال هیچگونه تضادی وجود ندارد ، همه را می توان جمع کرد.

«وَفَتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا» (19) (وشگافته شود آسمان و بشود در های بی شماری)

«وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا» (20) «و کوهها روان ساخته شوند و چون سرابی گردند» یعنی: کوهها از جاهای خود در هوا روان ساخته شده و از جای های خویش که میخ کوب شده بودند برکنده شوند و چون گردی به هوا پراکنده شوند به طوری که بیننده می پندارد که آن کوهی است زیرا بر صورت کوه است درحالی که حقیقتاً در آنجا کوهی نیست بلکه محضاً غباری است و بس.

«إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا» (21) «بی گمان جهنم کمینگاهی است» هدف از جهنم در اینجا جسر جهنم ، یعنی پل صراط است ، و در آنجا دو گروه فرشته ی ثواب و عذاب در انتظارند ، فرشتگانی عذاب اهل جهنم را می گیرند ، و فرشته های ثواب اهل بهشت را به جایگاهها یشان می رسانند . (مظهری) .

حسن بصری فرموده است : پل جهنم فرشتگان نگهبان پاسداری می کنند ، هرکسی اجازه نامه رفتن به جنت را در دست داشته باشد ، او را اجازه می دهند تا برود ، و کسی که این جواز را نداشته باشد ، از او جلوگیری می نمایند . (مظهری)

«لِلطَّاعِينَ مَأْبَأٌ» (22) (که برای سرکشان اقامتگاهی است.)

«لَا يَبْتَئِنُ فِيهَا أَحْقَابًا» (23) (درنگ کننده در آن قرنهای قرنهایی) عناصر یاغی و باغی، بی خبر از عاقبت طغیان و سرکشی شان ، با بیبایی جلو می روند ، نمیدانند که دوزخ در چند قدمی در کمین شان ، و منتظر آنان است ، و قرن ها قرن ها در آن درنگ می کنند ، و اقامتگاه چند روز مؤقت شان نمی باشد ، متناسب با زمان نیست که اگر به عناصر طاغی در دنیا میسر می شد ، از سرکشی خود در آن باز نمی آمدند ، آنها مصمم بودند همواره در طغیان بسر برند ، اکنون باید همواره در دوزخ باشند .

«لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا بِرْدًا وَلَا شَرَابًا» (24) (نه در آن سردی ای بچشند و نه نوشابه ای)

«إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا» (25) (مگر گرم آبی و زرد آبی) حمیم: آب جوش است «و چرکابه ای» که زردآب و چرک و خونابه دوزخیان می باشد.

«جَزَاءٌ وَفَاقًا» (26) (جزایی است مناسب) یعنی: این عذابشان موافق و مناسب با اعمال و گناهانشان می باشد؛ پس گناهی بزرگتر از شرک و عذابی بزرگتر از آتش دوزخ وجود ندارد و چنان که اعمالشان بد است، خداوند جلّ جلاله به آنان جزایی موافق با آن می چساند.

«إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا» (27) «آنان بودند که حساب و کتابی را توقع نمی داشتند»

«وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا» (28) «و آیات ما را سخت تکذیب می کردند» یعنی: آنها آیات قرآنی و حجت ها و دلایلی را که خداوند متعال به وسیله پیامبران علیهم السلام بر خلقش

سوره النبا

فرود آورده بود، سخت تکذیب می کردند.

«وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا» (29) (و هر چیزی را به صورت کتابی ضبط کرده

ایم» یعنی: هر چیز را در لوح محفوظ نوشته و به شمار آورده ایم تا فرشتگان آن را بشناسند. یا مراد اعمال بندگان است که فرشتگان نگهبان آنها را نوشته اند.

«فَدُوفُوا فَلَئِن تَزِيدُكُمْ إِلَّا عَذَابًا» (30) (پس بچشید که جز عذاب هرگز بر شما

نمی افزایم)

«إِنِّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» (31) (مسلمانان پر هیزگاران را رستگاری ای است)

مفاز: رستگاری و دست یافتن به مطلوب و نجات از آتش دوزخ، یا تفرجگاهی است.

ابن کثیر معنی دوم را ترجیح داده است زیرا خداوند جلّ جلاله بعد از آن می فرماید:

«حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا» (32) (باغ ها وانگور هایی، مثمر و مشجر.)

«وَكَوَاعِبَ أُنْرَابًا» (33) (وجوان حور های همسن و سالی)

«وَكَأْسًا دِهَاقًا» (34) (ولبریز جام هایی)

«لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا» (35) (نشنوند در آنجا سخن بیهوده ای و نه دروغ

گویی بی)

«جَزَاءَ مَن رَّبِّكَ عَطَاءَ حِسَابًا» (36) (پاداشی است از سوی پروردگارت، عطای

حسابی بی)

«رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا» (37)

(پروردگار آسمان ها و زمین و هر چه میان آنهاست، همان بس مهربانی که از او بدست

نیارند «مجال» حرف زدنی)

«يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا» (38)

(روزی که روح و فرشته ها صف بسته بایستند، و تکلم نکنند مگر کسیکه خدای رحمان به

او اجازه دهد، و گوید سخن درست)

حضرت ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: «روح فرشته ای است عظیم که در آفرینش

خود از بزرگترین فرشتگان می باشد».

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: «روح فرشته ای است بزرگتر از آسمانها و زمین».

نسفی می گوید: «قول جمهور این است که روح: جبرئیل علیه السلام است». به قولی:

«روح لشکری از لشکریان خدای عزوجل است که فرشته نیستند». به قولی دیگر: «آنان

ارواح بنی آدم اند که در صفی می ایستند و فرشتگان در صفی دیگر و این امر در میان دو

دمیدن اسرافیل علیه السلام - قبل از آن که ارواح به اجسام برگردانده شوند - روی می

دهد».

«ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا» (39) (اینست همان روز حق پس

هر کی خواهد راه باز گشتی بسوی پروردگارش پیش گیرد)

«إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي

كُنْتُ تُرَابًا» (40) (هرآینه ما شما را از عذاب نزدیکی هشدار دادیم، روزی که انسان

سوره النبا

آنچه را دو دست وی پیش فرستاده بود» از خیر یا شر «بنگرد و کافر گوید: ای کاش من خاک بودم) ابن کثیر نقل می‌کند که: خداوند جلّ جلاله چهارپایان را برای انتقام گرفتن از همدیگر گرد می‌آورد و بعد از آن که از یکدیگر انتقام میگیرند به خاک تبدیل می‌شوند، در آن وقت است که کافر حالی همانند حال آنها را آرزو می‌کند.

طوری که در آیات فوق مطالعه نمودیم: کفار و مجرمان هنگامی که صحنه قیامت و دادرسی پروردگار و جزای اعمال را مشاهده می‌کنند عکس عملهای مختلفی نشان می‌دهند که همگی حکایت از شدت تأثر و تأسف آنها می‌کند.

گاه می‌گویند: «وای بر ما از این حسرت که در اطاعت فرمان خدا کوتاهی کردیم».

و گاه می‌گویند: «خداوندا! ما را به دنیا باز گردان تا عمل صالح انجام دهیم».

و گاه می‌گویند: «ای کاش خاک بودیم و هرگز زنده نمی‌شدیم».

در آن روز بزرگ یکی از بهترین پادشاهای نیکوکاران و یکی از بدترین کفرهای بدکاران همین اعمال مجسم آنهاست که همراهشان خواهد بود. آری؛ کار انسانی که اشرف مخلوقات است گاه بر اثر کفر و گناه به جایی می‌رسد که آرزو می‌کند در صف یکی از موجودات بی روح و پست باشد.

شدت عذابی اهل دوزخ :

عذاب و شکنجه آتش بسیار سخت و بیمناک است، آتش دوزخ دارای عذابی چنان سخت و وحشتناک است که انسان را آماده می‌سازد تا بخاطر نجات از آن بهترین دارایی و هستی خود را به عنوان فدیة تقدیم کند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (سوره آل عمران: 91) (کسانی که کفر می‌ورزند و با کفر از دنیا رخت برمی‌بندند، اگر زمین پر از طلا باشد و (بتوانند برای بازخرید خود) آن را به عنوان فدیة بپردازند، هرگز از هیچ کدام از آنان پذیرفته نخواهد شد. برای ایشان عذاب دردناکی است و یابوری ندارند).

و در جایی دیگر در این رابطه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (سوره المائدة: 36) (بیگمان اگر همه آنچه در زمین است و همانند آن، مال کافران باشد و (یکایک آنان در آخرت) آن را برای نجات خود از عذاب روز قیامت بپردازند و بخواهند خویششان را بدان بازخرید کنند، از ایشان پذیرفته نمی‌گردد (و راهی برای نجاتشان وجود ندارد و) دارای عذاب دردناکی می‌باشند).

در صحیح مسلم از حضرت انس روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «يُؤْتَى بِأَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُصْبَغُ فِي النَّارِ صَبْغَةً ثُمَّ يُقَالُ يَا ابْنَ آدَمَ هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ فَيَقُولُ لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ». مشكاة المصابيح (102/3) (آنچه اهل دوزخ در دنیا داشته اند روز قیامت مهیا می‌شود و سپس در آتش رنگ داده می‌شود. آنگاه سوال می‌شود: ای فرزند آدم! آیا هرگز خیری را دیده‌ای؟ آیا هرگز نعمتی نزد تو بوده است؟ می‌گوید: پروردگارا! سوگند به ذات تو هرگز ندیده‌ام). این تنها چند لحظه‌ی اندکی است که کفار با مشاهده‌ی آن تمامی لذایذ و شادیهای دنیا را

سوره النبا

فراموش می‌کنند.

در بخاری و مسلم از انس بن مالک روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِأَهْلِ النَّارِ عَذَابًا لَوْ أَنَّ لَكَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ كُنْتَ تَفْتَدِي بِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَهْوَنُ مِنْ هَذَا وَأَنْتَ فِي صَلْبِ آدَمَ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي فَأَبَيْتَ إِلَّا الشِّرْكَ». (بخاری، کتاب الرقائق، باب: صفة الجنة و النار، فتح الباری: (416/11). (مشكاة المصابيح: (102/3)

(خداوند روز قیامت خطاب به دوزخیانی که عذابشان نسبت به دیگران کمتر است، می‌فرماید: آیا اگر از نعمت‌های زمین چیزی می‌داشتی آن را برای نجات از عذاب دوزخ فدیة می‌دادی؟ می‌گویند: حتماً. پروردگار می‌فرماید: کمتر از آن را از تو خواستم. در حالی که تو در صلب (پشت و کمر) پدرت آدم بودی، خواستم کسی را شریک من قرار ندهی، اما تو برای من شریک قرار دادی).

شدت آتش و بیم آن، انسان را آماده می‌سازد که تمام دوست و احبابش را بمنظور رهایی از عذاب دوزخ تقدیم کند: «يُبَصِّرُونَهُمْ يَوْمَ الْمَجْرِمِ لَوْ يَقْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْنِيهِ * وَصَاحِبِيَّتِهِ وَأَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ * كَلَّا إِنَّهَا لَأَطَى * نَزَّاعَةٌ لِّلشَّوْىِ» (سوره المعارج: 11 - 16). (شخص گناهکار آرزو می‌کند کاش می‌شد برای رهایی خود از عذاب آن روز، پسران خود را فدا سازد. همچنین همسر و برادرش را. همچنین فامیل و قبیله و عشیره‌ای که او را در پناه خود می‌گرفتند. و حتی تمام کسانی را که در روی زمین هستند (همگی را فدا کند) تا این که مایه نجاتش شود. هرگز! (این تمناها و آرزوها بر آورده نمی‌گردد، و هیچ فدیة و فدائی پذیرفته نمی‌شود). این، آتش سوزان و سراپا شعله (دوزخ) است. پوست بدن را می‌کند و با خود می‌برد). آری، این عذاب بیمناک و پی در پی، زندگی این گناهکاران را برای همیشه و بدون وقفه تلخ و ناراحت می‌سازد.

خلقت جهان در شش روز :

ابتدا باید بدانیم که منظور از آفرینش جهان در شش روز در آیات قرآن کریم چیست؟ بحث از آفرینش، در هفت مورد از آیات قرآن مجید آمده است، ولی در سه مورد، علاوه بر آسمان و زمین «ما بینهما» (آنچه در میان زمین و آسمان قرار دارد) نیز بر آن اضافه شده است که در حقیقت توضیحی برای جمله قبل است، زیرا همه اینها در معنی آسمانها و زمین جمع است، چون آسمان شامل تمام چیزهایی می‌شود که در جهت بالا قرار دارد و زمین نقطه مقابل آن است.

با توجه به مفهوم وسیع کلمة «یوم» (روز) و معادل آن در زبانهای دیگر، پاسخ این پرسش روشن است، زیرا بسیار می‌شود که این کلمه به معنی «یک دوران» به کار می‌رود، خواه این دوران یک سال باشد یا صد سال یا یک میلیون سال و یا میلیاردها سال. در قرآن کریم نیز شاهی که این حقیقت را ثابت می‌کند، وجود دارد.

در قرآن صدها بار کلمة «یوم» و «ایام» به کار رفته است و در بسیاری از موارد به معنی شبانه‌روز معمول نیست، مثلاً تعبیر از عالم رستاخیز به «یوم القیامة» نشان می‌دهد

سوره النبا

که مجموعه رستاخیز که دورانی است بسیار طولانی به عنوان «روز قیامت» شمرده شده است، از پاره‌ای از آیات قرآن استفاده می‌شود که روز رستاخیز و محاسبه اعمال مردم پنجاه هزار سال طول می‌کشد. در لغت نیز گاهی منظور از «یوم» مقدار زمان میان طلوع و غروب خورشید است و گاهی نیز به مدتی از زمان، هر مقدار که باشد، گفته می‌شود. بنابراین، خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفریده است، هر چند این دورانه‌ها میلیون‌ها یا میلیارد‌ها سال به طول انجامد.

با توجه به آیات: «9-12 سوره فصلت 11» این دورانه‌های ششگانه به ترتیب زیر است:

1. روزی که همه جهان به صورت توده گازی شکل بود که با گردش به دور خود از هم جدا شد و کرات را تشکیل داد.

2. این کرات تدریجاً به صورت توده مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت درآمدند.

3. روز دیگر منظومه شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد.

4. روز دیگر زمین سرد و آماده حیات شد.

5. سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند.

6. سرانجام حیوانات و انسان در روی زمین ظاهر شد.

اما در این که چرا خداوند این جهان را در یک لحظه نیافرید، با این که با قدرت بی‌انتهایش می‌توانست همه آسمانها و زمین را در یک لحظه بیافریند، پس چرا آنها را در این دورانه‌های طولانی قرار داد؟ نکته مهم در پاسخ این پرسش این است که آفرینش اگر در یک لحظه انجام می‌گرفت، کمتر می‌توانست از عظمت و قدرت و علم آفریدگار حکایت نماید، اما هنگامی که در مراحل مختلف و چهره‌های گوناگون، طبق برنامه‌های منظم و حساب شده، انجام گیرد، دلیل روشنتری برای شناسایی آفریدگار خواهد بود، مثلاً اگر نطفه آدمی در یک لحظه تبدیل به نوزاد کامل می‌شد، آن قدر نمی‌توانست عظمت خلقت را بازگو کند، اما هنگامی که در طی 9 ماه، هر روز در مرحله‌ای و هر ماه به شکلی، ظهور و بروز کند، می‌تواند به تعداد مراحلی که پیموده است، نشانه‌های تازه‌ای از عظمت آفریدگار از خود بروز دهد.

در واقع آفرینش هستی گام به گام صورت گرفته است و قانون گام به گام، همگام با قانون طبیعی و عقلی است و عقلاء هم آن را مورد پسند و پذیرش قرار می‌دهد. البته پرونده این بحث هم چنان باز است و در تحقیق بسته نیست.

به هر شکل آفرینش هستی و طبیعت باید با قانون طبیعی همراه باشد، هر چند قدرت و اراده‌ی خداوند «کن فیکون» می‌باشد. و بین این دو منافاتی وجود ندارد. هم خداوند «کن فیکون» باشد و هم در آفرینش هستی بر اساس قانون طبیعی و عقلی که همان قانون گام به گام می‌باشد پیش رفته باشد.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

سوره النبا

فهرست مطالب:

مقدمه

معلومات مؤجز

اسباب نزول

وجه تسمیه

محتوا سوره

ترجمه و تفسیر مؤجز

شدت عذابی اهل دوزخ

سفر به کرات آسمانی

خلقت جهان در شش روز

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن، حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**